

سفرنامه بدایع السمر و وقایع السفر

محمدرضا قصابیان

سفرنامه بدایع السمر و وقایع السفر توسط ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس از ادبا و نویسندگان دوره قاجاریه و در سال ۱۲۹۲ هجری قمری به تحریر درآمده است و نویسنده در این سفرنامه گزارش عملکرد هیأت اعزامی از مشهد به قوچان و بالعکس را به ظهیرالدوله والی وقت خراسان ارائه نموده است.

ویژگی‌های نسخه:

متن سفرنامه ظاهراً دستنویس مؤلف است که با خط شکسته نستعلیق و آیات مبارکه قرآنی و احادیث شریفه، عبارت‌های عربی با خط نسخ و در کاغذ شکری دانگ خفی فرنگی آهار مهره، به تحریر درآمده و با جلد مقوا و روکش پارچه‌ای نازک خاکستری رنگ صحافی شده و در ابعاد $۱۲/۵ \times ۷/۳$ و $۲۰ \times ۱۲/۲$ س، ۲۵ برگه رکاب‌بندی و مدون گردیده است.^۱ این نسخه خطی در ۱۳۳۵ ش توسط آستان قدس رضوی خریداری شده و با شماره عمومی ۷۲۳۱ در فهرست نسخ خطی ثبت و جزء کتابهای تاریخی به زبان فارسی و در بخش مخطوطات کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی نگهداری می‌شود.^۲

وجود بعضی اصلاحات و اضافات در متن و حاشیه سفرنامه که دارای سبک نگارش و نوع خط یکسان می‌باشد مؤید آن است که نسخه خطی مزبور به احتمال قوی دستخط و نسخه مسوده مؤلف است.

این نسخه خطی از نظر ادبی و هنری ارزشمند است و مؤلف به لحاظ تسلط به زبان عربی به تناسب و مهارت از آیات قرآنی و احادیث در شرح وسط مطالب بهره جسته و آن را با اشعار فصیح فارسی و عربی همراه نموده و با مضامین نغز و تعبیرات شاعرانه و با تمثیلات ادیبانه آراسته نموده و با خطی خوش و زیبا

به نگارش درآورده است.^۳

علاوه بر آن چون نویسنده در متن سفرنامه آگاهی‌های مختلف را درباره تاریخ خراسان و شهر قوچان ارائه کرده و مشاهدات خویش را از روستاهای مسیر راه مشهد به قوچان و بالعکس و اوضاع اجتماعی در سفرنامه‌اش ذکر نموده از نظر تاریخی نیز دارای اهمیت می باشد.

زندگینامه مؤلف

ابوالحسن میرزا معروف به شیخ‌الرئیس و متخلص به حیرت پسر محمدتقی میرزا حسام‌السلطنه پسر هفتم فتحعلیشاه قاجار^۴، ادیب، شاعر، خطیب و خطاط و شیخ‌الرئیس فضلالی دورهٔ قاجار، در سال ۱۲۶۴ ق در تبریز متولد شد.^۵ و در تهران و مشهد به تحصیل مقدمات علوم پرداخت و مدتی نیز در سامرا در خدمت میرزای شیرازی تلمذ کرد.^۶

او از فحول رجال و ادبای نامی و اعم‌العلماء به شمار می‌آمد.^۷ و در انشاء و ترسل صاحب‌نظر بود و شعر به فارسی و عربی می‌سرود و در خوشنویسی نیز مهارت داشت و میرزا صادق‌خان منشی‌باشی از شاگردان او بوده است.^۸ شیخ‌الرئیس پس از ورود به ایران در ۱۲۹۴ ق از طرف ناصرالدین شاه لقب شیخ‌الرئیس گرفت و به خدمت آستان قدس فرستاده شد.^۹ و به نوشتهٔ اعتمادالسلطنه در ۱۳۰۰ ق از ریاست کتابخانه برکنار شد.^{۱۰} و ظاهراً پس از آن مدتی ریاست دارالشفاء را بر عهده داشت تا آنکه به خاطر اختلافات شدید با آصف‌الدوله حکمران خراسان از سمت خود برکنار شد.^{۱۱}

شیخ‌الرئیس پس از برکناری از سمت خود این رباعی را در مذمت آصف‌الدوله سروده و توسط کامران میرزای نایب‌السلطنه برای ناصرالدین شاه فرستاد:

نایب‌السلطنه بر گوبه شه نیک سرشت	که یکی ز اهل خراسان به تو این نامه نوشت
آصف و ملک خراسان به تو ارزانی باد	ما ره عشق گرفتیم چه مسجد چه کنشت ^{۱۲}
و ناصرالدین شاه نیز پاسخ او جواب داد:	
نایب‌السلطنه بر گونه خراسانی زشت	که شهنشاه جواب تو این نامه نوشت
آصف ارنیک و اگر بد تو برو خود را باش	هر کسی آن درود عاقبت کار که کشت ^{۱۳}

پس از آنکه شیخ‌الرئیس توسط آصف‌الدوله عزل و نفی بلد گردید، شیخ‌الرئیس اطاعت نکرده و به قوچان رفت و در قریهٔ ساقی در چهار فرسخی شهر کهنه مدتی مهمان امیر حسین خان شجاع‌الدوله دوم حاکم قوچان شد.^{۱۴} و چون مهدی خان کلانی تفنگدار باشی ایالت در تعقیب او به قوچان آمده و قصد دستگیری و مطالبهٔ او را داشت تا به کلات نادری اعزام دارد.^{۱۵} ابوالحسن خان پسر شجاع‌الدوله او را مورد حمایت خود قرار داد و شیخ‌الرئیس مدتی را در قوچان اقامت داشت و سپس از طریق باجگیران به عشق آباد رفت. و از راه روسیه رهسپار استانبول گردید.^{۱۶} و در عثمانی به انجمن اتحاد اسلام پیوست و مورد توجه و محبت سلطان عبدالحمید قرار گرفت. و در آنجا کتاب اتحاد اسلام را به او اتحاف کرد.^{۱۷}

شیخ‌الرئیس در سال ۱۳۰۴ ق به خواهش ناصرالدین شاه به ایران بازگشت و بار دیگر مأمور خدمت خراسان

گردید. اما این بار نیز از راه عشق‌آباد به عثمانی رفت و از آنجا به بیت المقدس و مصر و هند سفر کرد.^{۱۸} اعتمادالسلطنه می‌نویسد که در ۱۳۰۸ ق شیخ‌الرئیس در جریان اغتشاش خراسان به حکم دولت محبوس گردید.^{۱۹} و در ۱۳۰۹ به زیارت مشهد آمد و دوباره از راه عشق‌آباد به سمرقند و بخارا و سپس به قفقاز و از آنجا به استانبول رهسپار شد.^{۲۰}

شیخ‌الرئیس با وجود آنکه از شاهزادگان قاجاری بود در انجمن‌های سرّی پیش از مشروطیت شرکت داشت و پس از پیروزی انقلاب مشروطه در کودتای محمدعلیشاه به اسارت قزاق‌ها درآمد و در باغشاه محبوس شد. و در انتخابات دورهٔ دوم به نمایندگی مردم مازندران برگزیده شد و رئیس سنی مجلس گردید.^{۲۱} و در ۱۳۳۶ ق درگذشت و در صحن حضرت عبدالعظیم حسنی علیه السلام در ایوان مقبرهٔ ناصرالدین شاه مدفون گردید. از مهمترین آثار او عبارتند از: اتحاد اسلام، کتاب الابرار در رد احمد قادیانی، منتخب النفیس که دیوان اشعار فارسی و عربی اوست و آگهی شهان از کار جهان.

دربارهٔ این نسخه خطی

سفرنامه بدیع‌السمرو و وقایع‌السفر نوشته ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس گزارش مأموریت یک هیأت از علمای مشهد متشکل از شریعت مآب آقا میرزا احمد مجتهد، ملا عبدالجواد، شیخ محمد حسین نیشابوری و ابوالحسن میرزا شیخ‌الرئیس است که در ۱۲۹۲ هجری قمری از طرف ظهیرالدوله والی جدید خراسان به قوچان اعزام گردیدند تا در موضوع عزل امیر حسین خان شجاع‌الدوله دوم (برکناری در ۱۲۹۱ ق) و شورش ابوالحسن خان و مخالفت مردم قوچان با حکمرانی انوشیروان میرزا رسیدگی نمایند.^{۲۲}

برای آشنایی بیشتر با هدف و عملکرد این هیأت اعزامی، ضرورت دارد که به علل ایجاد این وقایع در قوچان به صورت مختصر اشاره شود.

حکمرانی قوچان از آغاز سلطنت قاجاریه در اختیار خاندان زعفرانلوها از اکراد شمال خراسان قرار داشت و شهر قوچان از جمله معدود شهرهای خراسان بود که توسط حاکمان بومی و غیرقاجاری اداره می‌گردید. لذا از طرفی افزایش قدرت خاندان شجاع‌الدوله باعث نگرانی دستگاه سلطنت شده بود و از طرف دیگر شاهزادگان قاجار نیز برای تصاحب حکمرانی قوچان تلاش کرده و با ایجاد تحریکات و اعمال نفوذ زمینه را برای برکناری شجاع‌الدوله فراهم می‌ساختند.^{۲۳}

پس از آنکه حسام‌السلطنه به جانشینی وی منصوب گردید. والی جدید درصدد برآمد تا حکام برخی از شهرهای خراسان از جمله قوچان را تغییر دهد. لذا در ۱۲۹۱ ق با دو هزار سوار شاهسون عازم قوچان گردید^{۲۴} و شجاع‌الدوله نیز آماده به مقابله شد^{۲۵} اما کار به مصالحه انجامید و پس از مدتی امیر حسین خان شجاع‌الدوله به همراه نظام‌الدوله والی خراسان عازم تهران گردید^{۲۶} و در تهران به اتهام شکایت‌های رعایای قوچان از طرف ناصرالدین شاه مورد بازخواست قرار گرفته و زندانی شد.^{۲۷} و موقتاً ابوالحسن خان امور قوچان را در دست گرفت و انوشیروان میرزا ضیاءالدوله فرزند محمد رحیم میرزا از نوادگان عباس میرزا از طرف دستگاه سلطنتی به حکمرانی قوچان منصوب گردید.^{۲۸}

انوشیروان میرزا نیز پس از آنکه قهرمان خان نایب الحکومه سابق قوچان را به معاونت خود انتخاب کرد از سبزواری طرف قوچان عزیمت نمود.

ابوالحسن خان فرزند امیرحسین خان شجاع الدوله دوم پس از اطلاع از این خبر طی نامه‌ای از انوشیروان میرزا درخواست کرد که به علت مخالفت مردم قوچان با قهرمان خان از انتخاب او به عنوان نایب الحکومه خودداری نماید و تأکید نمود که مردم نیز عریضه‌ای مبنی بر ابقاء شجاع الدوله برای اولیای دولت ارسال داشته‌اند. بنابراین بهتر است تا اعلام خبر از پایتخت اقدامی صورت نگیرد.^{۳۹} اما انوشیروان میرزا به تحریک قهرمان خان با ارباب و تهدید و تقاضای نیروی کمکی به طرف قوچان حرکت نمود و متقابلاً ابوالحسن خان نیز تعدادی از نیروهای سواره و پیادهٔ ترکمن را به یاری خود طلبید و آمادهٔ مقابله شد.^{۴۰} در این زمان ناگهان نظام الدوله والی خراسان درگذشت و به دستور ناصرالدین شاه ظهیرالدوله حاکم خراسان شد و به این ترتیب اوضاع حکومتی به نفع خاندان شجاع الدوله و خواست مردم قوچان تغییر کرد و والی جدید دستور توقف اقدامات انوشیروان میرزا را صادر کرد و هیأت مزبور را برای برقراری ارتباط با ابوالحسن خان به قوچان اعزام نمود.^{۴۱}

هیأت مذکور در پنجم ربیع الاول ۱۲۹۲ هجری قمری وارد قوچان شدند و مورد استقبال ابوالحسن خان قرار گرفتند و هیأت مزبور فرمان دوستی را که از طرف مقامات حکومتی استان و تحت عنوان اطمینان نامه دولتی و از طرف (نیرالدوله، مستشارالملک و موتمن الملک و حاجی شیخ رحیم مجتهد) و خطاب به ابوالحسن خان تهیه و مکتوب شده بود در اختیار ابوالحسن خان گذاردند که در این اطمینان نامه دولتی سه پیشنهاد به او شده بود و او می‌توانست به یکی از آنها عمل نماید.^{۴۲}

در پیشنهاد اول خواسته شده بود که ابوالحسن خان همراه احمد علیخان فرستاده سپهسالار اعظم عازم پایتخت شود و اصلاح امور را به سپهسالار اعظم واگذار نماید و در صورت عدم پذیرش بنابر پیشنهاد دوم تسلیم ظهیرالدوله والی خراسان گردد و به وی اطمینان داده شده بود که والی خراسان با عطف و ملامت با او رفتار خواهد نمود و پیشنهاد سوم نیز این بود که در صورت عدم پذیرش دو پیشنهاد قبلی، با همراهانش به مشهد برود و منتظر ظهیرالدوله والی خراسان بماند تا او واسطه میان او و حکومت باشد.^{۴۳} به گزارش شیخ رئیس پس از آنکه اطمینان نامه دولتی به ابوالحسن خان ابلاغ گردید و نامه‌ای هم از طرف حاجی میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری واصل گردید که او را به مصالحه با والی خراسان ترغیب و تشویق نموده بود. ابوالحسن خان با مصالحه موافقت نمود^{۴۴} و قرار شد که یک روز دیگر نیز در قوچان توقف صورت گیرد تا آنکه حاجی میرزا ابراهیم مجتهد سبزواری هم برای جلب اطمینان بیشتر ابوالحسن خان وارد قوچان شود. و به این ترتیب در صبح روز سه‌شنبه ششم ربیع الاول عریضه‌ای هم از طرف ابوالحسن خان مبنی بر اطاعت و تمکین از ظهیرالدوله خراسان توسط میرزا محمد علی مستوفی قوچان خطاب به حاکم خراسان نوشته شد و به همراه عریضه‌های دیگر به مشهد و سبزواری ارسال گردید.^{۴۵}

در چهارشنبه هفتم ربیع الاول در زمانیکه مشکل مرتفع گردیده بود و هیأت اعزامی و ابوالحسن خان در قوچان منتظر حاجی میرزا مجتهد سبزواری و نتیجه اقدامات بودند و ابوالحسن خان نیز آماده حرکت

به طرف مشهد بود و به ظاهر موفقیت حاصل شده بود. ناگهان به ابوالحسن خان خبر رسید که انوشیروان میرزا و قهرمان خان با پانصد سوار برای دستگیری او عازم قوچان هستند^{۳۶} ابوالحسن خان با شنیدن این خبر چون به وعده‌های دولت و حمایت والی خراسان ظنین شده بود برآشفته گردید و ضمن گلایه از هیأت اعزامی و ابراز سوءظن به آنها به اتفاق عده‌ای از سوارانش عازم روستای فیروزه در سرحدات قوچان گردید و انوشیروان میرزا و قهرمان خان وارد قوچان شدند و زمام امور را بدست گرفتند و ظهیرالدوله نیز علیرغم اقدامات قبلی به حمایت از او پرداخت.^{۳۷}

بی‌خبری هیأت اعزامی و ظهیرالدوله والی خراسان از این واقعه و همچنین حمایت ظهیرالدوله از انوشیروان میرزا حکایت از آن دارد که این تغییر رویه ناشی از سیاست اولیای حکومت و از مرکز بوده است و تلاش شاهزادگان برای تصرف والی‌گری قوچان به ثمر رسیده است.^{۳۸} لذا هیأت مزبور در پی این رویداد و بدون حصول نتیجه به مشهد عزیمت می‌نماید. به همین دلیل صفحات پایانی سفرنامه مطلب خاصی ندارد و به شرح مشاهدات شیخ الرئیس از روستاهای مسیر بازگشت و ذکر اخبار معمولی سفر اختصاص یافته است. و سرانجام هیأت اعزامی در دوازدهم ربیع الاول ۱۲۹۲ وارد مشهد می‌گردد.^{۳۹}

چندی از ورود انوشیروان میرزا و نایب‌الحکومه قوچان نگذشته بود که ابوالحسن خان با جمعی از ترکمانان سالور و ساروق و تکه به طرف قوچان حرکت نمود.^{۴۰} و نیروهای قهرمانان را در کوه کنجد قور شکست سختی داد^{۴۱} و اگر چه بلافاصله نیروهای ظهیرالدوله در تعقیب آنان عازم مرز شدند اما اقدامات آنان بی‌نتیجه بود و این واقعه باعث اثبات بی‌کفایتی انوشیروان میرزا گردید و پس از چند ماه حکومت ناموفق و نافرمانی‌های اهالی قوچان و ناامنی‌ها سرانجام ناصرالدین شاه انوشیروان میرزا را از کار برکنار نموده، و مجدداً امیرحسین خان به حکومت قوچان منصوب گردید.^{۴۲}

امیرحسین خان پس از رسیدن به قوچان فرزندش ابوالحسن خان را با تشریفات حکومتی به تهران فرستاد و ابوالحسن خان مدت‌ها در تهران تحت‌نظر بود^{۴۳} و سرانجام در همانجا فوت کرده و در باغ حاجی پیرزاده مدفون گردید.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

باورش در سبب ارفاق و دران باره تامل نشود که
 او التماس کند که خرفوت نافرودت بچکان و احوال
 من طول
 چندانکه در وقت الاسفاله از او در کار او که در من کف لکه که خرفوت
 خرسه بنامان خرفوت نافرودت خرفوت که در حمله که در بنام
 بنام که بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در انچه که در بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 در وقت مراد آن آفت خرد را که در انچه که در انچه که در انچه
 در روزان و در وقت خرفوت خرفوت خرفوت خرفوت خرفوت خرفوت
 که در بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام

شماره ۱۳۰۸ خورشیدی
 باقی نوشته شده است

بدايع السمر و وقايع السفر

سنده در وقت روزان خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 و در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 ان که در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 چنانکه بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 ۱۲۰۲
 که در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام
 که در وقت خرفوت بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام بنام

شماره ۱۳۰۸ خورشیدی
 باقی نوشته شده است

پی‌نوشت‌ها:

- ۱ - فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، ۲۰/۷؛ فهرستواره کتابهای فارسی، ۶۵/۱؛ آغازنامه ۹۸۷/۳.
- ۲ - نسخه خطی بدایع السمر و وقایع السفر، صفحه مشخصات کتاب، ش ۷۲۳۱.
- ۳ - منتخب النفیس؛ ۵.
- ۴ - همان، ۶؛ تاریخ رجال ایران، ۴۲/۱؛ دائرة المعارف تشیع، ۳۹۹/۱.
- ۵ - دائرة المعارف تشیع، ۳۹۹/۱۰؛ منتخب النفیس، ۶ و ۱۱.
- ۶ - ریحانة‌الادب، ۳۱۲/۳؛ تاریخ قوچان قدیم، ۷۰.
- ۷ - تاریخ قدیم قوچان، ۷۰.
- ۸ - دائرة المعارف تشیع، ۳۹۹/۱.
- ۹ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۲۵۳.
- ۱۰ - تاریخ رجال ایران، ۴۳/۱؛ منتخب النفیس، ۱۳.
- ۱۱ - منتخب النفیس، ۹۷.
- ۱۲ - اسناد آصف‌الدوله، ۱۰.
- ۱۳ - تاریخ قوچان قدیم، ۷۱/۱؛ منتخب النفیس، ۱۴؛ سرزمین و مردم قوچان، ۴۰/۳.
- ۱۴ - تاریخ قدیم قوچان، ۷۱/۱.
- ۱۵ - همان و منتخب النفیس، ۱۴.
- ۱۶ - دائرة المعارف تشیع، ۳۹۹/۱.
- ۱۷ - همان. / ۱۸ - روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ۷۱۵.
- ۱۹ - منتخب النفیس، ۱۶ و ۱۷؛ ترکنامه، ۷۵.
- ۲۰ - دائرة المعارف تشیع، ۳۹۹/۱.
- ۲۱ - نسخه خطی بدایع السمر و وقایع السفر؛ س ۲-۲-۳۶۰-۵-۲۹۵.
- ۲۲ - رک: خراسان و حکمرانان، ۵۴۳؛ سالشمار وقایع مشهد، ۲۱۸.
- ۲۳ - تاریخ قوچان قدیم، ۷۸/۱.
- ۲۴ - راحت بعد از رنج، ۲۳۱.
- ۲۵ - روزنامه ایران، ۱۲۹۱، ش ۲۳۷ و ۲۴۳؛ فرهنگ جغرافیایی خراسان، ۷۵۷.
- ۲۶ - همان، ش ۲۴۴؛ اترکنامه، ۷۴؛ روزنامه ایران، ۱۲۹۱، ش ۱۲۵۷؛ حرکت تاریخی کرد به خراسان، ۴۵۸/۱.
- ۲۷ - همان (روزنامه ایران).
- ۲۸ - نسخه خطی بدایع السمر و وقایع السفر، ۲۷.
- ۲۹ - همان؛ سند ۲-۲-۳۶۰-۵-۲۹۵ به نقل از پایان نامه کارشناسی ارشد، حمید رضا اکبرزاده، ۷۶.
- ۳۰ - نسخه خطی بدایع السمر و وقایع السفر؛ ۱ و ۲۲؛ روزنامه ایران، ۱۲۹۱، ش ۲۴۶.
- ۳۱ - همان، ۳۰. / ۳۲ - همان، ۲۵ تا ۲۸. / ۳۳ - همان، ۳۰.
- ۳۴ - نسخه خطی، ۳۱. / ۳۵ - همان، ۳۴ تا ۳۶.

- ۳۶ - همان، ۳۸ تا ۴۱، روزنامهٔ ایران، ۱۲۹۲، ش ۲۵۶.
- ۳۷ - رک: اترکنامه، ۲۷۶. / ۳۸ - نسخهٔ خطی، ۴۸.
- ۳۹ - تاریخ قوچان قدیم، ۴۷/۱. / ۴۰ - تاریخ قوچان قدیم، ۴۸/۱.
- ۴۱ - سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ۵۸۷.
- ۴۲ - میرزا نصرت طبیب قوچانی می‌نویسد که در ایام توقف ابوالحسن خان در قوچان با او مصاحب بوده است. رک: راحت بعد از رنج، ۳۲۰؛ سرزمین و مردم قوچان، ۴۰/۳.
- ۴۳ - اترکنامه، تاریخ قوچان قدیم، ۹/۱.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آغازنامه، محمدحسین امینی و سید محمود مرعشی، کتابخانه مرعشی، قم، ۱۳۸۵.
- ۲- اترکنامه، رمضانعلی شاکری، تهران، امیرکبیر، ۱۳۶۵، چاپ اول.
- ۳- اسناد میرزا عبدالوهاب خان آصف‌الدوله (گزیده خراسان) به کوشش دکتر نوایی و نیلوفر کسرابی، تهران، مؤسسه مطالعات تاریخ معاصر ایران، ۱۳۷۷، چاپ اول.
- ۴- شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴، مهدی بامداد، کتابفروشی زوار، تهران، ۱۳۶۳، ج اول.
- ۵- تاریخ قوچان قدیم، علاء الدین افشار، کتابخانهٔ مرکزی آستان قدس رضوی، نسخهٔ خطی، ش ثبت ۳۵۸۹.
- ۶- خراسان و حکمرانان، محمدرضا افشار آرا، مشهد، انتشارات محقق، ۱۳۸۰.
- ۷- حرکت تاریخی کرد به خراسان، حکیم الله توحیدی، مشهد، ناشر مولف، ۱۳۷۱.
- ۸- دائرةالمعارف تشیع، ناشر: نشر شهید محبی، تهران.
- ۹- راحت بعد از رنج، میرزا نصرت طبیب قوچانی، تصحیح محمدرضا قصابیان، مشهد، انصار، ۱۳۸۶.
- ۱۰- روزنامه ایران، انتشارات کتابخانه ملی با همکاری مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها (۱۳۷۶).
- ۱۱- ریحانه الادب فی تراجم المعروفین بالکتیبه و اللقب، (س-ص)، ج ۳، تألیف میرزا محمدعلی مدرس، تبریز، چاپخانه شفق، ۱۳۴۹، چاپ دوم.
- ۱۲- روزنامه خاطرات اعتمادالسلطنه، ایرج افشار، امیرکبیر، ۱۳۷۷، چاپ چهارم.
- ۱۳- سالشمار وقایع مشهد، مدرس رضوی، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸، چاپ اول.
- ۱۴- سفرنامه از خراسان تا بختیاری، ذالمانی، هانری رنه، ترجمه فره‌وشی، امیرکبیر، تهران.
- ۱۵- فهرستواره کتابهای فارسی، به کوشش احمد منزوی، سازمان چاپ و انتشارات ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۷۴.
- ۱۶- فهرست کتب خطی آستان قدس رضوی، احمد چگینی، انتشارات کتابخانه، مشهد، ۱۳۴۶.
- ۱۷- فرهنگ جغرافیایی خراسان، وزارت جنگ انگلستان، ترجمه کاظم خادیمان، مشهد، بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی.
- ۱۸- منتخب النقیس، (دیوان شیخ رئیس)، آقا شیخ محمدابراهیم، سنگی نستعلیق، چاپ بمبئی، ۱۳۱۲ق.
- ۱۹- نسخهٔ خطی بدایع‌السمرو و وقایع‌السفر، ابوالحسن میرزا شیخ رئیس، نسخه خطی، کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی، ش ۷۲۳۱.
- ۲۰- پایان‌نامه کارشناسی ارشد تاریخ، (اوضاع سیاسی قوچان در عهد قاجاریه)، حمیدرضا اکبرزاده، ۱۳۸۷.
- ۲۱- خاطرات وحید، نشریه علمی، سیف اله وحیدنیا، تهران، بهمن ۵۱ تا خرداد ۵۲- ش ۱۶ تا ۲۰.
- ۲۲- اسناد، سازمان ملی ایران، ابوالحسن خان، ش سند ۲-۱-۳۶۰- ۵- ۲۹۵.